

الگوی زیست حاشیه، تهدیدی برای توسعه و سلامت پایدار شهری

اسداله نقدی^۱، صادق زارع^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

افزایش سریع شهرنشینی بدون همراهی رشد و توسعه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی به عنوان لازمه شهرنشینی پایدار، شهرها را با مشکلات و معضلات بسیاری مواجه کرده است. یکی از این مشکلات حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشینی از نظر بهداشت محیط، بهداشت روان، سلامت اجتماعی، پایداری شهری و ... دارای پیامدهای مخربی بر توسعه پایدار شهری است. حاشیه‌ها با ویژگی‌هایی همچون کیفیت پایین زندگی، وضعیت نامساعد مسکن، تراکم بالای جمعیت، خدمات نازل شهری و ... و حاشیه‌نشینان با

خصوصیاتی چون سطح پایین سواد، بیکاری، مشاغل نامطمئن و... محیط مساعدی برای رشد و ظهور انواع آسیب‌های اجتماعی را مانند اعتیاد، دزدی، ولگردی، فروش و مصرف مواد مخدر، فروش و مصرف مشروبات الکلی، فحشا و... فراهم می‌کنند که این امر می‌تواند تهدیدی جدی برای توسعه و سلامت پایدار شهری محسوب شود. این مطالعه به شیوه پیمایشی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و تجربه زیسته پژوهشگران در حاشیه‌های شهرهای همدان و کرمانشاه به منظور بررسی معضل حاشیه نشینی به‌عنوان تهدیدی جدی برای توسعه و سلامت پایدار شهری است. حجم نمونه شامل ۵۲۳ نفر از حاشیه‌نشینان شهر همدان و ۳۷۴ نفر از حاشیه‌نشینان جعفرآباد کرمانشاه است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۶۳ درصد از پاسخگویان یا اصلاً از وضعیت بهداشتی محله خود راضی نبوده‌اند و یا رضایت اندکی داشته‌اند، خانوارهای مناطق حاشیه‌نشین از نظر کمیت مسکن بطور متوسط دارای دو اتاق بوده‌اند. حدود ۴۳ درصد از آنها وضعیت مالی و اقتصادی خود را از لحاظ شیوع فقر در محله بد و ضعیف ارزیابی نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: حاشیه نشینی، سلامت شهری، توسعه پایدار شهری

مقدمه و بیان مسأله:

پس از سرعت انفجاری شهرنشینی و ظهور الگوی غالب شهرنشینی در کشور، بخش قابل توجهی از فضای شهری و مناطق مسکونی را مناطقی با نام حاشیه یا سکونتگاه‌های غیر رسمی به خود اختصاص داده‌اند که بنا به آمارهای رسمی در مجموع این نقاط حدود یک سوم جمعیت شهری ایران را در خود جای داده است. از دهه‌های اولیه قرن حاضر شمسی و تسلط الگوی توسعه شهرگرا در ایران که مبتنی بر پارادایم نوسازی بود همراه با ورود صنعت، اصلاحات بسیار اجتماعی و نیز اصلاحات اراضی در جامعه روستایی، تزریق عایدات نفتی به شهرها، کاهش مرگ و میر و در ادامه وقوع انقلاب و جنگ به همراه دیگر عواملی موجب شد بخش عظیمی از جمعیت و نیروی کار روستایی به شهرها مهاجرت

کند. شهرنشین نیز علاوه بر مهاجران روستایی، فقرای سبب گسترش حاشیه‌نشینی در اطراف اغلب شهرهای ایران شدند. بر اساس تحقیقات انجام شده حاشیه‌نشینی در طی چند دهه گذشته به‌عنوان همزاد رشد شهری ایران گسترش یافته و اینک به صورت مشکلات جدی، شهرهای بزرگ کشور را تهدید می‌کند. پدیده حاشیه‌نشینی هر چند در شهرهایی مانند زاهدان با سطح توسعه کم و یا همدان، کرمانشاه و ... وجود دارد، اما بخش مهمی از حاشیه‌نشینی در ایران به قطب‌های پر رونقی مانند تهران، مشهد، کرج، اهواز، بندرعباس، اصفهان و ... تعلق دارد. البته این پدیده تنها خاص شهرهای جهان سوم نیست و در شهرهای صنعتی نیز این پدیده وجود دارد. حاشیه‌نشینی در شهری چون کلکته به پدیده‌ای عادی بدل شده است و آنکارا، استانبول، ازمیر، مانیل، کاراکاس، قاهره، کراچی و دهلی نو نمونه‌های این شهرها هستند (نقدی، ۱۳۸۶). تأکید سازمان ملل بر ساماندهی حاشیه‌ها در اهداف هزاره، نشان از تلقی حاشیه‌نشینی به‌عنوان مسأله جهانی است. از پدیده‌های عمده ناپایداری کننده شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه‌ای از شهرنشینی با مشکلات حاد، موسوم به اسکان غیررسمی است که بنا به مشاهدات جهانی در حال گسترش فزاینده است. بر اساس آمارهای موجود حدود یک ششم جمعیت جهان و ۵۰ درصد جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه، در مناطق حاشیه‌ای و بدون برخورداری از تسهیلات کافی شهری زندگی می‌کنند (بیات و سلجوقی، ۱۳۸۵).

به دلیل اهمیت بحث حاشیه‌نشینی، برنامه اسکان بشر سازمان ملل^۱ از ۱۹۹۱ است به تهیه پایگاه‌های داده درباره سکونتگاه‌های شهری کرده است و از ۱۹۹۷ برنامه پایش جهانی شهری^۲ را برای مشخص کردن کلیدی‌ترین مسائل شهری جهان با تمرکز جدی بر اهداف هزاره^۳ که تأمین سرپناه مناسب برای حاشیه‌نشینان از جمله این اهداف است، پدید آورده است (مارتینز، ۲۰۰۸).

1 - The United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT)

2 - Global Urban Observatory (GUO)

3 - Millennium Development Goals (MDG).

4 -aa rnnzz

معمولاً مناطق مسکونی حاشیه‌ها دارای خانه‌های غیر استاندارد و بسیار متراکم، غیر بهداشتی، نامطمئن و از نظر اجتماعی نامناسب است. حاشیه از نظر فرهنگی در سطح پایینی قرار دارد که شامل ابعاد اجتماعی و فیزیکی می‌شود (هریس^۱، ۲۰۰۹). اینگونه سکونتگاه‌ها هر چند جلوه‌ای از فقر را نمایان می‌سازد، اما بازتاب کاستی‌ها و نارسایی‌های سیاست‌های دولت و بازار رسمی نیز محسوب می‌شود. در جامعه ما نیز حاشیه‌نشینی و مسائل مربوط به آن یکی از مهمترین مسائل مدیریت شهری است و طبق نتایج و آمارهای موجود در حال حاضر حدود هشت میلیون نفر از جمعیت شهری کشور حاشیه‌نشین هستند. مطالعه روند حاشیه‌نشینی نشان می‌دهد که این پدیده رو به گسترش و در حال بحرانی‌تر شدن است. به طوری که بر اساس مطالعات صورت گرفته، حدود ۵۰ درصد جمعیت شهر سنج در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند که فقط ۱۶ درصد مساحت شهر را اشغال کرده‌اند، در شهر ۲/۲ میلیون نفری مشهد جمعیت حاشیه‌نشین حدود ۳۰ درصد کل جمعیت را به خود اختصاص داده است (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۲)، در همدان حاشیه‌نشینان حدود ۳۰ درصد جمعیت شهر را تشکیل می‌دهد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵)، در شهر زاهدان نیز حدود یک سوم جمعیت آن در مناطق حاشیه‌نشین و در سکونت‌های نابسامان سکونت دارند (بیات و سلجوقی، ۱۳۸۵).

بنابراین در وضعیت کنونی جامعه شهری ایران، پدیده حاشیه‌نشینی یا اسکان غیر رسمی یکی از مهمترین مسائل شهری محسوب می‌شود که با خود پیامدهای منفی و مخربی برای سلامت شهری در پی دارد. این امر تا آن حد بوده است که در سیاست‌های کلان ابلاغی برنامه پنجم توسعه به صراحت بدان اشاره و تاکید شده است. در مناطق حاشیه‌ایی با مسائل و مشکلاتی از قبیل کوچه‌های تنگ و نامنظم، مساکن با مصالح بی‌دوام و متراژ پایین، تراکم بسیار شدید جمعیت، نبود امکانات رفاهی، معضلات زیست محیطی و سطح پایین آگاهی، سواد، توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و رفاه اجتماعی و ... وجود دارد که پیامدهای این مشکلات می‌تواند برای سلامت شهر و ساکنان آن آثار تخریب‌کننده‌ایی در پی داشته

باشد. اسکان غیر رسمی به سبب وجود فقر و گسترش آن، به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌ای برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده و به گرفتن تصمیم‌های ویژه‌ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده نیاز دارد.

چارچوب نظری تحقیق

حاشیه‌نشینی مانند هر پدیده اجتماعی شهری دیگری از زوایای مختلف مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است: بر اساس نظریه «تله محرومیت»، چمبرز از پنج خوشه نامساعد نام می‌برد که با یکدیگر در ارتباط بوده و تقویت‌کننده همدیگر هستند و بسان زنجیرهایی به دست و پای افراد فقیر تنیده شده‌اند: ۱- فقر (با معرف‌هایی همچون نداشتن دارایی، سرپناه‌های ساخته شده از چوب، گل، خشت، حصیر، وسایل آشپزی ساده، توالت غیر بهداشتی، گرفتن وام از همسایگان، لباس‌های پاره و مندرس، بهره‌وری پایین، ساعت کار زیاد بخصوص در مورد زنان با کارایی بسیار کم، کار کودکان، یک زندگی بخور و نمیر)، ۲- ضعف جسمانی (نحیف و لاغر بودن اعضای خانواده، بیمار بودن اعضای خانواده بدلیل سوءتغذیه و ابتلاء به بیماری‌های انگلی، ضعیف بودن نوزادان و ... ۳- انزوای خانوار (این خوشه شامل معرف‌هایی از قبیل بیگانه بودن خانوار نسبت به دنیای خارج، بی‌اطلاعی از حوادث و اتفاقات پیرامون به دلیل بی‌سوادی، محدود بودن مسافرت‌ها و ... است)، ۴- محرومیت و آسیب‌پذیری (این خوشه شامل ناچیز بودن ذخیره‌های غذایی، ناچیز بودن سرمایه‌های نقدی خانوار و آسیب‌پذیر بودن در برابر بیماری‌هاست) و ۵- بی-قدرتی خانوار (از جمله معرف‌های این خوشه می‌توان به عدم شناخت قانون، عدم آگاهی حقوقی، نبود قدرت چانه‌زنی، بی‌قدرتی در دسترسی به کمک‌های دولتی و ... اشاره کرد) (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۸-۸۲).

هرینگتون نیز معتقد است که فقر در ایالات متحده بصورت یک فرهنگ، نهاد و یک شیوه زندگی در آمده و فقرای آمریکایی در یک «دایره جهنمی» گرفتار شده‌اند: بینوایان

بیش از سایر افراد جامعه بیمار می‌شوند، زیرا در کوی‌های کثیف و در حالی که تحت شرایط غیربهداشتی در هم چیده‌اند، زندگی می‌کنند؛ خوراک کافی و مراقبت‌های پزشکی درخور در دسترس ندارند. وقتی بیمار می‌شوند، بیماریشان بیش از افراد هریک از دیگر گروه‌های اجتماعی به طول می‌انجامد و چون بیش از دیگران بیمار می‌شوند و بیماریشان طولانی است پس کارشان را از دست می‌دهند و بسختی می‌توانند کار مستمری را بیابند، و به همین جهت توانایی تهیه مسکن و خوراک مناسب و پزشک را ندارند. در هر نقطه مفروض این دایره، بویژه مواقعی که پای بیماری مهمی در میان است، امیدشان به سطحی پایین‌تر از پیش نزول می‌کند و ناگزیر دایره را در نقطه دیگر و با رنج بیشتر آغاز می‌کنند و می‌گردند. به گمان هرینگتون نه تنها افراد نمی‌توانند از این دایره جهنمی رهایی پیدا کنند بلکه گروه‌ها نیز نمی‌توانند از این دایره رها کنند چون قدرت اجتماعی و نیروی سیاسی‌ای ندارند که به یاری آن درماندگی و بیچارگی خویش را به هدفی تبدیل کنند (هرینگتون، ۲۰۳۶: ۲۲-۲۳).

کلینارد حاشیه‌نشینی را از لحاظ جامعه‌شناسی یک شیوه زندگی می‌داند و می‌گوید حاشیه‌نشینی خرده‌فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محل‌هایی با بهداشت و سلامت کم، با کجروی‌های اجتماعی و مشخصات دیگری که انزوای اجتماعی و طرد شدن را به دنبال دارد، به اجرا در می‌آید (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۹-۱۰).

«فیلیپ هاووز» شهری شدن سریع و شتابان را مایه تشدید اصطکاک‌های اجتماعی و شخصی و مانع همسازی آرام مهاجران روستایی با فرهنگ شهری می‌داند. مهاجرینی که سرنوشتی جز سرازیر شدن به سوی حلبی‌آبادها و حاشیه‌نشین‌ها ندارند، در آنجا نیز با مشکلات متعددی چون مسائل: بهداشتی، تغذیه، فقر مفرط و آلودگی‌های محیطی و اخلاقی مواجه می‌شوند و بی‌سازمانی و آشفتگی ویژگی اصلی زندگی آنان می‌گردد (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶).

از نظر پیران تزلزل شغلی، عدم احساس امنیت در مورد سرپناه و احساس حقارت و زندگی در محل غیرقانونی سبب شده است تا درصد بالایی از ساکنان دچار اضطراب شدید و عوارض روانی ناشی از آن شوند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶؛ به نقل از پیران، ۱۳۶۷).

از دیدگاه مکتب شیکاگو، مهاجرت، جابجایی مکانی و اجتماعی، بیگانگی را در اجتماع شهری توسعه می‌دهد و نظارت اجتماعی نیز ضعیف می‌کند پس احتمال بیشتری وجود دارد که فرد با الگوی جرم و بزهکاری برخورد کند و آنها را بیاموزد و به کار ببرد (پارک، ۱۹۶۷). این دیدگاه میل به انحرافات اجتماعی را به طبقات پایین جامعه که در محله‌های حاشیه‌ای و فقیرنشین شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند ارجاع می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۸: ۴).

تامس و زنانسکی در اثر خود «دهقانان لهستانی در اروپا و آمریکا» نشان دادند که در مرحله اول مهاجرت، افراد نسل نخست، با از دست دادن ریشه‌های اخلاقی و تکیه‌گاه‌های اجتماعی خود به شدت ضربه خورده و دچار بی‌ثباتی شخصیتی شده و روی به الکلیسم و انحراف می‌آورند و سرانجام در فقر فرو می‌روند. در حالی که در مرحله بعدی، افراد نسل دوم با از میان رفتن اثرات بی‌ثباتی اخلاقی، وارد عمل شده و گروه‌های جوان خرده-فرهنگ‌های فعال را تشکیل می‌دهند (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۸۱-۱۸۲).

از نظر لوئیس نیز فرهنگ فقر^۲ در سطح اجتماعات محلی و کوچک بصورت خانه‌های خراب، ازدحام، درهم‌جوشی مردم، نبودن تشکیلات و سازمان‌هایی که دامنه گسترش و نفوذشان به ورای محدوده خانواده برسد، مجسم می‌شود (لوئیس، ۱۳۵۳).

روش تحقیق

این مطالعه به شیوه پیمایشی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و تجربه زیسته پژوهشگر در حاشیه‌های شهر همدان و کرمانشاه صورت گرفته است. حجم نمونه در این بررسی شامل ۵۲۳ نفر از حاشیه‌نشینان شهر همدان و ۳۷۴ نفر از حاشیه‌نشینان جعفرآباد

1- Park

2- poverty culture

کرمانشاه است. برای انتخاب پاسخگویان برای مصاحبه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و همچنین داده‌های دیگر تحقیقات مرتبط و اسناد و کتب نیز استفاده شده است.

پیامدهای مخرب حاشیه‌نشینی برای سلامت شهری

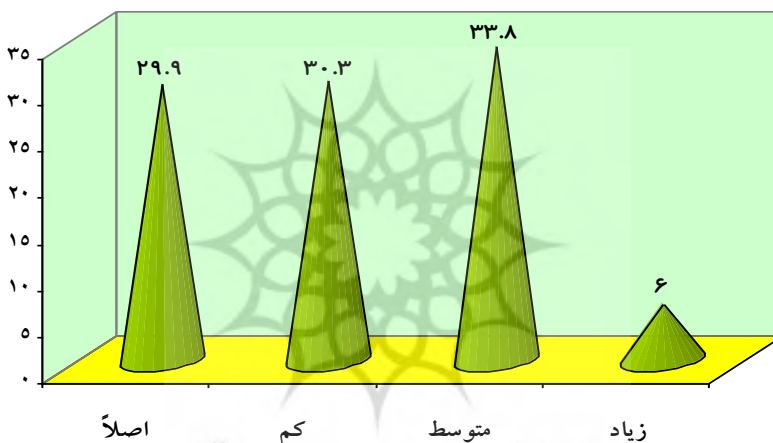
شهر و شهرنشینی با بروز و ظهور مشکلاتی روبروست که می‌تواند سلامت شهرنشینان را اعم از حاشیه‌ها و کسانی که در متن شهر زندگی می‌کنند را با خطر مواجه سازد. بی‌مسکنی و بد مسکنی، گسترش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، آلودگی‌های زیست محیطی، مشکلات ترافیکی و آمد و شد، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، مشکل دفع زباله و بازیافت نکردن آن، گسترش آسیب‌های روانی و شخصیتی، مشکل توزیع عادلانه‌تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز شهروندان، و بالاخره مسأله تأمین کار و درآمد از جمله این مشکلات است که گریبان‌گیر همه شهروندان است، اما این مسائل در نقاط حاشیه‌رنگ غلیظ‌تری دارند. در واقع معضلات اقتصادی، وجود فقر و فرهنگ فقر، نداشتن روحیه تعلق شهروندی، نبود مشارکت، احساس تبعیض، کامروایی معوق، تخریب اموال عمومی و ... از مهمترین مسائل و معضلات دامن‌گیر مناطق حاشیه‌ای و تخریب‌کننده سلامت حاشیه‌نشینان است که در زیر به برخی از آنها می‌پردازیم.

وضعیت بهداشتی محلات حاشیه و شیوع بیماری‌های عفونی و واگیر:

یکی از مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینان نامناسب بودن وضعیت بهداشت است. محلات حاشیه‌نشین از نظر بهداشتی، محیط و فردی با مشکل مواجه هستند و انواع بیماری‌ها بویژه بیماری‌های عفونی و واگیر در این مناطق بسیار زیاد است. بیماری‌های واگیردار مانند بیماری‌های پوستی، روده‌ای و گوارشی از شایع‌ترین بیماری‌ها در این محدوده‌هاست. کودکان دچار فقر تغذیه و مادران نیز با کمترین امکانات بهداشتی و مراقبت‌های آن آشنا هستند (افتخاری‌راد، ۱۳۸۲). علاوه بر این آمار مرگ و میر بخصوص برای کودکان و

مادران در نواحی حاشیه بسیار بالاست به گونه‌ای که مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در این نواحی پنج برابر مناطق غیر حاشیه است (مارتینز^۱ و دیگران، ۲۰۰۳).

یافته‌های محقق در زمینه رضایت از وضعیت بهداشت در بین حاشیه‌نشینان همدان نیز مهر تاییدی بر این مطالب است به طوری که حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان اصلاً از وضعیت بهداشتی محله خود (بویره از عبور فاضلاب‌های بدون سرپوش) اصلاً راضی نیستند، ۳۰/۳ درصد در حد کم، ۳۳/۸ درصد در حد متوسط و ۶ درصد در حد زیاد از وضعیت بهداشتی محل خود احساس رضایت داشته‌اند.



نمودار (۱)، میزان رضایت از وضعیت بهداشتی محله

ماخذ: (نقدی، ۱۳۸۲: ۲۳۲)

مسکن نامناسب تهدیدی برای زندگی ساکنان حاشیه

سر پناه از نیازهای اساسی بشر است و مسکن برای محروم‌ترین اقشار جامعه مشکل جدی‌ای به حساب می‌آید. در مناطق حاشیه تعداد قابل توجهی از افراد فقیر زندگی می‌کنند و برای همه آنها مسکن یک اولویت واقعی و ضروری است. به همین دلیل غالباً تازه‌واردان برای یافتن زمینی که بشود چهار دیواری در آن بنا بنا کرد ارزان‌ترین نقاط مانند مسیل‌ها،

زیر کابل‌های فشار قوی، زورآبادها یا مکان‌هایی که از لحاظ محیط زیست فاقد شرایط لازم است را آماج هجوم خود قرار می‌دهند. از سوی دیگر چون در شهر زمین اندک است و متغیر دسترسی به شهر هم مهم است بنابراین بر اهمیت زمین اضافه می‌شود: (در شهر) زمین کمیاب است و نزدیکی به مرکز شهر عاملی است که ارزش آن را بالا می‌برد، در کنار ارزش زمین، هزینه ساختمان دومین عامل تعیین کننده قیمت مسکن است که رابطه مستقیمی با هزینه مصالح ساختمانی و دستمزد کارگران بستگی دارد. پس در نهایت آلونک-ها که در ساخت آنها از حلی، چوب‌های فرسوده و کارتون‌های کهنه استفاده می‌شود از همه به صرفه‌ترند. حجم اندک سکونتی، تراکم بالای خانواده به همراه ساخت و سازهای غیر قانونی از ویژگی‌های سکونتگاه‌های حاشیه‌ای است (ربانی و افشار کهن، ۱۳۸۱: ۹۵). علاوه بر این کیفیت پایین و غیر استاندارد مصالح به کار رفته در ساخت و سازها نیز به چشم می‌خورد. این مصالح عبارتند از: حلب‌های پر شده با خاک و گل، قطعات ایرانیت یا پلاستیک، گل و خشت و کاه گل، حصیر و نی، بلوک‌های سیمانی از رده خارج و ... (اعتماد، ۱۳۸۲).

یکی دیگر از مشکلات مربوط به مسکن حاشیه‌نشینان، کمیت مسکن در اختیار خانوارها است که اگر همراه با کیفیت مسکن دیده شود بر اهمیت معضل مسکن اضافه می‌کند. بعنوان نمونه در حاشیه‌های شهر همدان تعداد اتاق در خانوارهای مورد بررسی بین حداقل ۱ و حداکثر ۷ در نوسان بوده است. بطور متوسط خانوارهای مناطق حاشیه‌نشین دارای ۲ اتاق بوده‌اند. همچنین توزیع تعداد اتاق‌ها نشان می‌دهد که حدود چهار پنجم خانوارها دارای دو اتاق و کمتر بوده‌اند (نقدهی، ۱۳۸۴). در جعفرآباد کرمانشاه نیز ۴۵/۵ درصد خانه‌های حاشیه‌نشینان دارای ۲ اتاق بوده است.

مشکل دیگری که وضعیت مسکن حاشیه‌نشینان با آن روبرو هستند تراکم نفرات در واحد مسکونی (بعد خانوار) است. بعنوان نمونه تراکم نفر در واحدهای مسکونی در مناطق حاشیه‌نشین همدان نشان می‌دهد که این شاخص مسکونی از ۱ تا ۱۶ نفر در واحدهای مسکونی در نوسان بوده و میانگین بعد خانوار (تراکم نفر در واحدهای مسکونی)، ۵/۶۴ و

میانگین ۵ نفر دال بر بالا بودن تراکم جمعیت در واحدهای مسکونی دارد. همچنین با توجه به انحراف معیار بدست آمده می‌توان گفت که ۶۸ درصد خانوارهای مورد بررسی جمعیتی بین ۳ تا ۸ نفر در واحد مسکونی‌شان زندگی می‌کند. علاوه براین، جدول توزیعی این شاخص نشان می‌دهد که حدود ۱۵ درصد تراکم جمعیتی در واحد مسکونی شان ۳ نفر و کمتر است و در مقابل، در بیش از ۳۰ درصد خانوارهای مسکونی، تراکم نفر در واحدهای مسکونی بیش از ۷ نفر بوده است. از این رو، کمبود فضا و تراکم بالای جمعیتی در واحدهای مسکونی یکی از مشخصات بارز این مناطق است که می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای سلامت ساکنان آن داشته باشد.

جدول (۱)، توزیع تراکم نفر در واحدهای مسکونی (بعد خانوار)

درصد	تعداد	بعد خانوار
۰/۴	۲	۱
۴/۰	۲۱	۲
۱۰/۵	۵۵	۳
۱۴/۵	۷۶	۴
۲۲/۶	۱۱۸	۵
۱۷/۶	۹۲	۶
۳۰/۴	۱۵۹	+۷
۱۰۰/۰	۵۲۳	کل نمونه

ناپایداری شغلی و زندگی حاشیه‌نشینان:

افزایش سریع جمعیت شهری، تغییرات مهمی را در ترکیب سنی و جنسی جمعیت به وجود می‌آورد و شهرها را با مشکلات ناشی از آن مواجه می‌کند. به این مفهوم که هجوم جوانان روستایی به شهرها موجب افزایش سریع جمعیت شهری در گروه سنی جوانان می‌شود و گروه سنی جوانان را نسبت به گروه‌های دیگر به صورت نامتعادلی در می‌آورد که مسأله اشتغال را با مشکل مواجه می‌سازد (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

اکثر حاشیه‌نشینان دارای مشاغل خدماتی و ساختمانی مانند عملگری، کارگری ساده، رفتگری و دست‌فروشی هستند، مشاغل کاذب و غیر تولیدی نظیر کوپن‌فروشی و سیگار فروشی در میادین و چهار راه‌ها، دست‌فروشی، دلالی و... هستند. گاهی در برخی منازل مناطق حاشیه‌ای شهر، حتی افراد برای گذراندن زندگی به نگه داشتن حیوانات از جمله گوسفند و پرندگان مبادرت می‌ورزند و در کنار آن یکی از مشاغل که در این مناطق رونق بسیار دارد ایجاد مغازه‌های بقالی در کنار خانه‌هاست (سماواتی: ۱۳۷۲). بررسی محقق در زمینه متغیر نوع شغل حاشیه‌نشینان در جعفرآباد نیز نشان می‌دهد که ۲۳/۸۱ درصد حاشیه‌نشینان دارای شغل کارگری، ۱۵/۸ درصد دست‌فروشی هستند و مغازه‌داری ۷/۳ و رانندگی ۴/۴ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

جدول (۲) نوع شغل در جعفرآباد کرمانشاه

نوع شغل	فراوانی	درصد
دست‌فروشی	۵۷	۱۵/۸
کارگری	۹۴	۲۳/۸۱
نان‌خشکی	۹	۲/۷
بنایی	۴	۱/۲
مکانیکی	۱	۳/۳
کشاورزی	۱۰	۲/۸
رانندگی	۱۶	۴/۴
کوپن‌فروشی	۸	۲/۳
روزنامه‌فروشی	۱	۳/۳
مغازه‌داری	۲۷	۷/۳
کفاشی (واکسی)	۵	۱/۵
دیگر مشاغل	۳۳	۹/۳

ماخذ: پیمایش محقق

با مروری بر ویژگی‌های اقتصادی این مشاغل به خوبی پیداست که درآمد مورد انتظار آنها بسیار پایین است و این درآمد حتی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی حاشیه‌نشینان بویژه به دلیل بار تکفل بالا ناکافی به نظر می‌رسد.

حاشیه نشینی، فقر و فرهنگ فقر

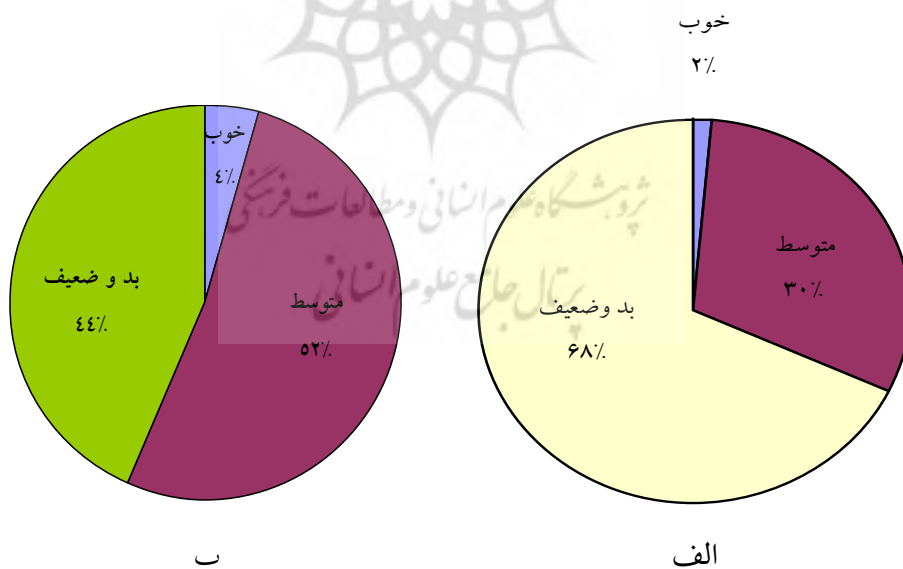
حاشیه‌نشین نه تنها از نظر اقتصادی، وضع مسکن، خدمات شهری و ... فقیر محسوب می‌شود بلکه از نظر فرهنگی نیز در شرایط فقر بسر می‌برد. فرهنگ فقر در مناطق حاشیه از طریق مکانیسم‌هایی چون اشتغال ناپایدار و بیکاری، بعد خانوار و بار تکفل بالا و میزان کم درآمد باز تولید می‌شود.

اسکار لوئیس معتقد است که محله‌های فقیرنشین حاشیه‌ای شهر به دلیل نداشتن منابع اقتصادی، جدایی از سایر طبقات اجتماعی و تبعیض، به تدریج راه و رسم زندگی را که بین فقرا پیدا می‌شود، می‌پذیرند، وی این راه و رسم را فرهنگ فقر می‌نامد. فرهنگ فقر زائیده انطباق فقرا و نیز واکنش ایشان نسبت به موقعیت‌های حاشیه‌ای طبقه اجتماعی‌شان در یک اجتماع طبقاتی، فردگرا و کاپیتالیستی است (لوئیس، ۱۳۶۵: ۸). این فرهنگ نشان می‌دهد که افراد آن در کسب موفقیت در ارزش‌ها و آماج اجتماعات بزرگتر خود شکست خورده و احتمال پیروزی برایشان باقی نمانده، در نتیجه تلاش می‌کنند که خود را با یأس و نومیدی حاصل از این عدم موفقیت سازگار کنند (لوئیس، ۱۳۶۵: ۱۰). فرهنگ فقر، روزی در جوامع حاشیه‌نشین و فقیر بوجود می‌آید و به علت اینکه روی بچه‌ها اثر می‌گذارد به تدریج از نسلی به نسل دیگر دوام آورده و پایدار می‌ماند. فرزندان ارزش‌ها و رفتارهای خرده‌فرهنگ را خود به خود می‌پذیرند و در نتیجه به کسب مزایای کامل از دگرگونی شرایط و افزایش فرصت‌هایی که ممکن است در طول زندگی‌شان برایشان واقع شود از نظر روانی آمادگی ندارند (لوئیس، ۱۳۶۵: ۹). اسکار لوئیس ویژگی‌های حاشیه‌نشینان را اینگونه توصیف می‌کند:

- افراد خود را کاملاً در حاشیه اجتماع احساس می‌کنند.

- حس یأس و نومیدی دارند
- هرج و مرج در هویت های جنسی
- قدرت تسلط بر تشنجات و هیجانات ندارند.
- توانایی نسبتاً کمی در ارضای نفس و گذراندن وقت دارند
- توانایی اندک در برنامه ریزی آینده خویش، قدرت گرا بودن توکل در همه امور (لویس، ۱۳۶۵: ۱۷).

یافته‌های محقق در زمینه وجود فقر در محلات حاشیه‌نشین نشان می‌دهد که تنها ۴/۴ درصد حاشیه‌نشینان همدان وضعیت مالی و اقتصادی خود را خوب، ۵۲ درصد متوسط (تا حدی خوب)، و ۴۳/۶ درصد بد و ضعیف ارزیابی نموده‌اند که گویای فقر فراگیر در این مناطق است. البته از اغراق در خود اظهاری‌ها هم نباید غافل شد. مشابه و مؤید یافته فوق در همدان، دیدگاه حاشیه‌نشینان محله جعفر آباد کرمانشاه -بزرگترین حاشیه این شهر - است که اغلب آنان اوضاع مالی خود را بد و ضعیف ارزیابی کرده‌اند.



نمودار (۲)، ارزیابی وضعیت مالی و اقتصادی الف-جعفرآباد کرمانشاه ب- حاشیه‌های همدان

آسیب‌های اجتماعی و حاشیه‌ها:

بافت متراکم جمعیت، تنوع پایگاه‌های قومی و زبانی حاشیه‌نشینان، فقر گسترده و تازه‌واردان ناآشنا زمینه را برای بروز رفتارهای انحرافی مهیا می‌کند. همچنین به دلیل بالا بودن انواع ناکامی‌ها و سرخوردگی‌های اجتماعی در بین مردم حاشیه‌نشین، استعداد گرایش به انواع انحرافات اجتماعی مانند اعتیاد، دزدی، فحشا و وندالیسم بالا است. از سوی دیگر همانطور که گفته شد اکثر حاشیه‌نشینان مهاجران روستایی هستند و به دلیل عدم تناسب فرهنگی میان ساکنان شهرها و مهاجران که منجر به تعارض ارزشی برخورد دو فرهنگ در میان مهاجران شده، اختلال‌هایی را در رفتار آنها موجب می‌شود. این رفتارهای انحرافی وقتی جمعیت مهاجرین با جمعیت بومی، تفاوت‌های قومی و فرهنگی زیادی داشته باشند می‌تواند بسیار وخیم‌تر و بادوام‌تر باشد. مهاجران نسل اول با کوله‌باری از ویژگی‌ها و تجربه‌های فرهنگی از زادگاه خویش مهاجرت می‌کنند و از آنجا که ویژگی‌های فرهنگی این گروه از مهاجران در وجود آنان ریشه‌دار شده است، ترک این ویژگی‌ها و هماهنگ شدن با فرهنگ جامعه دشوار و بسیار کند و گاه حتی امکان‌ناپذیر است. مهاجران در حاشیه فرهنگ شهر قرار گرفته، رفتار آنها بهنجار شناخته نمی‌شود. از سوی دیگر ارزش‌های پیشین آنها نیز سست می‌گردد و این مسأله در میان مهاجران نسل‌های دوم و سوم چنان عمیق‌تر است که خود به خود به ظهور پدیده‌ای چون شکاف نسل‌ها منجر می‌شود (وحید):

(۱۳۸۲). سست شدن ارزش‌های پیشین در حالی که آنها هنوز نتوانسته‌اند جذب ارزش‌های اجتماعی شهر شوند، باعث بروز ناهنجاری‌ها و کج رفتاری‌هایی در نسل جدید حاشیه‌نشینان می‌شود (معیدفر: ۱۳۷۸). از سوی دیگر عدم تجانس و گوناگونی در شهر در کنار گمنامی، بزرگی و تنوع‌طلبی، زمینه را برای بروز رفتارهای آنومیک و هنجارشکنانه فراهم می‌نماید (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). به عنوان نمونه همچنان که جدول ذیل نشان می‌دهد از نظر غالب حاشیه‌نشینان کرمانشاه (۶۸ درصد) اعتیاد، (۵۲ درصد) فروش مواد مخدر، (۳۳ درصد) سرقت و دزدی، (۵۴/۸) دعوا، (۶۲/۲) ولگردی، و نیز برای بیش از ۹۰ درصد

حاشیه‌نشینان بیکاری و فقر جزء آسیب‌های اجتماعی هستند که به شکل وسیع و در حد زیاد در محله وجود دارند .

جدول (۳) وضعیت آسیب های اجتماعی در حاشیه جعفرآباد کرمانشاه

مقیاس	کم	تا حدودی	زیاد	اصلا	بی جواب
آسیب‌ها					
اعتیاد	۱۱/۸	۱۳/۶	۶۸/۲	۵/۶	/۸
فروش مواد مخدر	۱۱/۸	۲۲/۷	۵۲/۱	۱۱/۸	۱/۶
دزدی	۲۱/۱	۳۲/۶	۳۲/۹	۱۲/۶	/۸
فساد و فحشا	۴۶/۸	۱۱/۵	۶/۴	۳۴/۸	/۵
دعوا و درگیری	۱۲/۶	۲۴/۹	۵۴/۸	۷/۸	
ولگردی	۸/۳	۲۱/۴	۶۱/۲	۸/۰	/۸
فروش و مصرف مشروبات الکلی	۳۸/۵	۱۴/۲	۱۹/۳	۲۵/۷	۲/۴
بیکاری	۱/۳	۲/۱	۹۵/۵	/۸	/۳
فقر	۱/۶	۶/۱	۹۰/۴	۱/۱	/۸
قمار	۳۰/۷	۱۱/۸	۶/۷	۴۸/۷	۱/۳

ماخذ: پیمایش نگارنده

حاشیه‌نشینی و پدیده وندالیسم: گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پدیده وندالیسم به دلیل گستردگی مفهومی از دو زاویه مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا به عنوان یک پدیده اجتماعی و بزهکاری در جامعه و سپس به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در طراحی مبلمان شهری. از زاویه اول می‌توان گفت که امروزه در اکثر مناطق شهری، وندالیسم به شدت شیوع پیدا کرده است. این پدیده در مناطقی که شهرنشینی رو به توسعه، ناهمگونی در بافت فرهنگی زیاد، مهاجرت و نرخ رشد جمعیت بالا دگرگونی در نظام ارزشی زیاد است، به وفور یافت می‌شود. از زاویه دیگر وندالیسم یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در طراحی شهری پایدار، بویژه در حیطة مبلمان و عناصر شهری است.

وندالیسم در مناطق حاشیه‌نشین شهر عمدتاً به صورت شکستن لامپ خیابان‌ها و پارک‌ها، تخریب کیوسک‌های تلفن و بریدن سیم گوشی تلفن و شکستن شیشه باجه‌های آن، شکستن درختان پارک‌ها و از بین بردن چمن پارک‌ها، تخریب لوازم تفریحی پارک و اموال اماکن عمومی، پاره کردن صندلی اتوبوس‌های شهری، شعارنویسی روی در و دیوار (بوئژه در مدارس)، از بین بردن مراتع و فضای سبز اطراف و ... نمود پیدا می‌کند.

نسبت تخریب و از بین رفتن امکانات و خدمات شهری در مناطق اسکان غیر رسمی بالاست. این پدیده با دلایل مختلفی صورت می‌گیرد. به اعتقاد برخی عدم تعلق، احساس تبعیض، عدم رعایت نکات ضد وندالیسم در توسعه شهری و تأسیسات و خدمات، سبب گسترش تخریب می‌گردد. برای نمونه بر اساس اطلاعات گرفته شده از اداره مخابرات استان همدان، در سال حدود ۲۰ مورد از تخریب کیوسک تلفن را دارند که شامل دزدیدن تلفن کیوسک‌ها، بریدن سیم‌ها، شکستن شیشه‌های کیوسک‌ها و ... می‌شود. گزارشات نشان می‌دهد که ۹۹ درصد از آن خرابکاری‌ها در مناطق پایین انجام می‌گیرد. بر اساس گزارش سازمان اتوبوسرانی این استان، ۸۵٪ خرابی اتوبوس‌ها توسط آقایان و ۱۵٪ توسط خانم‌ها صورت می‌گیرد، همچنین هزینه تخریب صندلی اتوبوس‌ها در سال ۱۳۸۶ چیزی بالغ بر صد و پنجاه میلیون ریال بوده که این مبلغ در سال ۸۷ به صد و بیست میلیون ریال رسیده است (نقدی و نادری، ۱۳۸۹). محقق نیز در یک پیمایش میدانی از ساکنان حاشیه‌های همدان علل تخریب امکانات و خدمات گوناگون شهری در این محله‌ها را جویا شد که مهمترین دلایل بشرح زیر بوده است: فرهنگ پایین مردم، کیفیت پایین امکانات اختصاصی به این محله‌ها، بی‌توجهی و عدم رسیدگی شهرداری، وجود زیاد بچه‌های بیکار و ولگرد در این محله، عدم همکاری و مشارکت مردم، شلوغی و تراکم جمعیتی زیاد و ...

جدول (۴) علل تخریب امکانات و خدمات شهرداری در محلات حاشیه‌نشین همدان

فراوانی		علل تخریب امکانات و اموال عمومی محله
درصد	تعداد	
۲۴/۵	۱۲۸	فرهنگ پایین مردم
۱۳/۰	۶۸	کیفیت پایین امکانات اختصاصی به این محله‌ها
۱۲/۸	۶۷	بی‌توجهی و عدم رسیدگی شهرداری
۱۰/۷	۵۶	وجود بچه‌های بی‌کار و ولگرد بسیار در این محله
۸/۰	۴۲	عدم همکاری و مشارکت مردم
۲/۳	۱۲	شلوغی و تراکم جمعیتی زیاد
۰/۸	۴	تردد ماشین‌های سنگین (موجب از بین رفتن آسفالت)
۹/۲	۴۸	احداث نکردن امکانات و خدمات در این محله
۱۸/۷	۹۸	نمی‌دانم و بی‌جواب
۱۰۰/۰	۵۲۳	کل نمونه

ماخذ: (نقدی، ۱۳۸۲: ۲۵۳)

نتیجه‌گیری

به طور کلی از آنچه در بالا گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که حاشیه‌نشینان به عنوان درصد مهمی از جمعیت شهری ایران با مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عدیده‌ای روبرو هستند که سلامت خود و دیگر شهروندان را با خطر جدی مواجه ساخته‌اند. همچنان که در بالا مطرح شد محلات حاشیه‌نشین مورد بررسی، از نظر بهداشتی (بهداشت محیط و بهداشت ساکنان) با مشکل جدی مواجه هستند و حدود ۶۳ درصد از پاسخگویان یا اصلاً از وضعیت بهداشتی محله خود راضی نبوده‌اند و یا رضایت اندکی داشته‌اند. در این مناطق انواع بیماری‌ها بخصوص بیماری‌های عفونی و واگیر بسیار زیاد است. از نظر کمیت مسکن خانوارهای مناطق حاشیه‌نشین به طور متوسط دارای ۲ اتاق بوده‌اند. تراکم نفر در واحدهای مسکونی در مناطق حاشیه‌نشین همدان ۵/۶۴ است. در محلات حاشیه‌نشین مورد بررسی نرخ آسیب‌های اجتماعی از قبیل فحشاء، دزدی، اعتیاد، قمار، فروش مواد مخدر، فروش و مصرف مشروبات الکلی، دعوا و درگیری بالا است. از نظر غالب حاشیه‌نشینان کرمانشاه: اعتیاد (۶۸ درصد)، فروش مواد مخدر (۵۲ درصد)، سرقت و دزدی (۳۳ درصد)،

دعوا (۵۴/۸)، ولگردی (۶۲/۲)، و نیز برای بیش از ۹۰ درصد حاشیه‌نشینان بیکاری و فقر جزو آسیب‌های اجتماعی هستند که به شکل وسیع و در حد زیاد در محله وجود دارند. بررسی محقق در زمینه متغیر نوع شغل حاشیه‌نشینان در جعفرآباد نیز نشان می‌دهد که ۲۳/۸۱ درصد حاشیه‌نشینان دارای شغل کارگری، ۱۵/۸ درصد دست‌فروشی، مغازه‌داری ۷/۳ هستند و رانندگی ۴/۴ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. نرخ بالای وندالیسم در این نقاط هم خصلت دیگری است که سلامت آن را تهدید می‌کند. در این زمینه گزارش‌ها نشان می‌دهد که ۹۹ درصد از این خرابکاری‌ها در مناطق پایین انجام می‌گیرد.

پیشنهادات

نگارندگان با توجه به مطالعات و مشاهدات اکنون برخی پیشنهادهای برای ساماندهی بهتر مناطق حاشیه توصیه می‌شود.

- در حال حاضر با توجه به اینکه حاشیه‌ها بخش قابل توجهی از جمعیت و حتی اشتغال ساکنان رسمی یا غیر رسمی شهرها را در خود جای می‌دهند، پس مسئولان امر باید با گرفتن سیاست‌هایی با برخورد ریشه‌ای و منطقی به توسعه اجتماعی حاشیه‌های شهری و اجرای توانمندسازی مردم با نگاه به تجارب جهانی به آنها کمک کنند.

- توجه به بهداشت حرفه‌ای ساکنان شاغل در نقاط حاشیه و توجه به انسجام فیزیکی، اجتماعی و بهداشتی حاشیه‌نشینان مانند تجربه ساماندهی و توانمندسازی کارگران دباغی در حاشیه شهرهای هند که تلاش می‌کرد از راه مشارکت و آموزش، شرایط زندگی کارگران بهبود دهد و دسترسی آنان را به آب آشامیدنی و شبکه فاضلاب آسانتر کند (شاکلا^۱ و همکاران، ۲۰۰۲).

- وضعیت امنیت عمومی در حاشیه‌ها پایین‌تر از متن شهر شده است. بنابراین حضور جدی‌تر پلیس و ایجاد کلانتری در مناطق حاشیه باعث افزایش ضریب امنیت در این مناطق می‌گردد.

- به دلیل ضعف بنیه مالی ساکنان حاشیه‌ها سازمان‌های متولی باید هزینه خدمات شهری را کاهش دهند.
- ارائه خدمات مددکاری و مشاوره به مهاجران و تازه‌واردان در زمینه‌های گوناگون.
- مبارزه جدی‌تر و غیرقهری و ریشه‌ای با مسائل اساسی مورد توجه آنان یعنی فقر، بیکاری، اعتیاد، ولگردی و آسیب‌های اجتماعی.
- رفع کمبودهای بهداشتی و دسترسی به خدمات آموزشی و امکانات رفاهی.
- به‌سازی کالبدی و فیزیکی در رونق اقتصادی، بهداشت و دل‌بستگی اهالی به محیط و محله و حتی کاهش خشونت و وندالیسم در این مناطق تاثیرگذار است.
- از آنجا که مهاجرت فی‌نفسه نکوهش‌شدنی نیست و روندی طبیعی در طول تاریخ بشر بوده است، بنابراین آنچه مهم است ترکیب مهاجران، نرخ مهاجرت و سرنوشت مهاجران در مقصد و پیامدهای آن در مبدأست.
- به دلیل تجربه تولد یا رشد در محیط شهری جدید و شهروند دانستن خود، نسل دوم یا سوم حاشیه‌نشینان با نسل‌های پیشین خود تفاوت‌های بسیاری دارند و باید به صورت دیگری با آنان برخورد و به گونه دیگری مدیریت شود.
- برنامه‌ریزی شهری که هدف خود را تخفیف مسائل شهری قرار داده است باید با توجه به متغیرهای گسترده‌ای تدوین شود و البته در این میان عنصر لازم و ضروری برای رفع مسائل اجتماعی شهری، کاهش فاصله حاشیه - متن، باز هم آوردن امکاناتی برای مشارکت حاشیه در زندگی شهری، است.
- ساماندهی حاشیه‌ها به ارتقای سلامت شهری در همه شهرهای ایران بویژه کلان‌شهرها کمک شایانی خواهد کرد.

منابع

- ۱ احمدی، حبیب (۱۳۷۸)، «رهیافت نظری در تبیین انحرافات اجتماعی»، *مجله علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ویژه علوم اجتماعی، سال نهم، زمستان.

- ۲- لژکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی توسعه»، تهران، انتشارات کیهان.
- ۳- اعتماد، گیتی (۱۳۸۲)، «ویژگی های کالبدی محله‌های حاشیه‌نشین» در مجموعه مقالات درحاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۴- افتخاری راد، زهرا (۱۳۸۲)، «جهره نمایی بافت های اسکان غیر رسمی و عوامل موثر بر شکل گیری آن» در مجموعه مقالات درحاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۵- بیات، معصومه و سلجوقی، محمد امین (۱۳۸۵)، «بررسی ویژگی های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی حاشیه نشینان زاهدان»، در مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی طراحی شهری، اصفهان: نشر یادآوران.
- ۶- پیران، پرویز (۱۳۶۷) «آلونک‌نشینی در تهران»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸، صفحه ۳۲-۳۵.
- ۷- حاتمی نژاد، حسین (۱۳۸۲)، «اسکان غیر رسمی در کلان شهر مشهد؛ نمونه موردی: شهر غیر رسمی ساختمان» در مجموعه مقالات درحاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۸- ربانی، رسول، جواد افشار کهن (۱۳۸۱)، «حاشیه نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری»، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۴، تابستان.
- ۹- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹)، «حاشیه‌نشینی»، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۱۰- سماواتی، محمداسماعیل (۱۳۷۲)، «دسته بندی معضلات اجتماعی در استان همدان»، استانداری همدان، شورای اجتماعی همدان.
- ۱۱- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۷۶)، «حاشیه نشینی و امنیت»، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم، وزارت کشور.
- ۱۲- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵)، «انسان‌شناسی شهری»، تهران، نشر نی.

- ۱۳- لوئیس، اسکار (۱۳۶۵)، «فرهنگ فقر و شناخت آن»، ترجمه رجبعلی حاسبی. تبریز، نشر نوبل.
- ۱۴- لوئیس، اسکار (۱۳۵۳)، «فرهنگ فقر»، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴.
- ۱۵- معیدفر، سعید (۱۳۷۸)، «مهاجرت های روستایی و ملاحظاتی در برنامه ریزی فرهنگی استان همدان»، فصلنامه فرهنگ همدان، سال چهارم، شماره ۱۵ و ۱۶.
- ۱۶- نقدی، اسداله (۱۳۸۲)، «درآمدی بر جامعه شناسی شهری»، همدان، انتشارات فن آوران
- ۱۷- نقدی، اسداله (۱۳۸۴)، «بررسی وضعیت حاشیه نشینی و مسائل آن در شهر همدان»، طرح پژوهشی استانداری همدان.
- ۱۸- نقدی، اسداله و رسول صادقی (۱۳۸۵)، «حاشیه نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۲۰
- ۱۹- نقدی، اسداله (۱۳۸۶)، «حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی (جهان چهارم)»، همدان، انتشارات فن آوران
- ۲۰- نقدی، اسداله و آرزو نادری (۱۳۸۹)، «وندالیسم تهدیدی برای سلامت شهری»، همایش ملی سلامت شهری (مجموعه مقالات)، تهران
- ۲۱- وحید، فریدون (۱۳۸۲)، «فرهنگ مهاجرت و گفتگوی تمدن‌ها»، فصلنامه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان، شماره ۶، زمستان.
- ۲۲- هرینگتون، مایکل (۲۵۳۶)، «آمریکای دیگر (فقر در ایالات متحده)»، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ دوم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- 23- Abhay Shukla, Satish Kumar and F.G. Öry (1991), Occupational health and the environment in an urban slum in India, Social Science & Medicine, Volume 33, Issue 5, Pages 597-603.
- 24- R. Harris, (2009) Slums, International Encyclopedia of Human Geography Pages 157-162
- 25- Martinez, Javier and et al (2008) Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990-2003, Habitat International 32 86t 108